

Tuesday, August 06, 2019
10:22 AM

نمودی از اعجاز علمی قرآن کریم در زمین

سید محمدعلی حسینی^{*}

چکیده

قرآن کریم به لحاظ اینکه وحی الهی است و بر قلب نازنین پیامبر گرامی اسلام ﷺ نازل شده است، دارای تنوع مطالب نغز و ارزشمندی است که هرکس به فراخور استعداد خویش از آن بهره‌مند می‌شود. یکی از موضوعات لذت‌بخش و شیرین قرآن کریم، موضوع اعجاز آن است. با نظر به همین مطلب، نویسنده درصدد تبیین و تشریح تبارز و تبلور اعجاز علمی قرآن کریم می‌باشد که نگاه بسیاری از قرآن‌پژوهان به آن معطوف شده است. در این مقاله وجه اعجاز علمی قرآن در ارتباط با زمین مورد مذاقه و مرور قرار گرفته است. مواردی همچون قرآن و گسترش زمین، قرآن و گهواره بودن زمین، قرآن و میخ‌های زمین، قرآن و کاهش زمین، قرآن و ساکن بودن زمین، قرآن و استخراج نفت و گاز از زمین، قرآن و قانون جاذبه در زمین، قرآن و کروی بودن زمین و

کلید واژه‌ها: قرآن، معجزه، علم، زمین، قرآن‌پژوهان، اعجاز علمی، مفسران.

^{*} دانش‌پژوه دکتری قرآن و علوم (گرایش علوم تربیتی) مجتمع آموزش عالی مشهد مقدس
m_a_hosseini@yahoo.com

مقدمه

قرآن کریم کتابی است دارای غنا و محتوای عالی و آن هم ممکن نمی شود مگر اینکه بپذیریم سخنی است که از منبع وحی در طول ۲۳ سال در مناسبت‌ها و زمان‌های مختلف بر پیامبری امی از جانب خدای قادر منان نازل شده و برای هدایت بشر فرستاده شده است و سپس توسط رسول حق و بعد از ایشان توسط جانشینان بر حق ایشان که دوازده امام هستند تبیین گردیده است.

نگاه به قرآن ما را به موضوعات فراوان و مختلفی رهنمون می سازد و اینکه این کتاب بی‌بدیل از تنوع مطالبی بس ارزشمندی برخوردار بوده تا جایی که بشر از آوردن مثل آن در عجز و ناتوانی کامل است. آیات ذیل ما را به این حقیقت انکارناپذیر آشنا می‌کند:

۱. عجز از آوردن مانند قرآن

«أَمْ يَقُولُونَ تَقْوَلَهُ بَلْ لَا يُؤْمِنُونَ، فَلْيَأْتُوا بِحَدِيثٍ مِثْلِهِ إِنْ كَانُوا صَادِقِينَ.» (طور:

۳۳-۳۴)

این از اعجاز قرآن کریم است که جهانیان را به هم‌آوردی طلبیده و آنان در برابر عظمت قرآن به عجز خویش اعتراف نموده‌اند که نمی‌توانند مانند قرآن را به جهانیان عرضه کنند.

۲. عجز از آوردن ده سوره

«أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِعَشْرِ سُوْرٍ مِثْلِهِ مُفْتَرِيَاتٍ وَادْعُوا مَنْ اسْتَفْتَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» (هود: ۱۳)

تنزل قرآن به ده سوره مانند سوره‌های قرآن، کاری دیگری است از به نمایش گذاشتن ناتوانی بشر خودسر در برابر عظمت و استحکام این کتاب آسمانی.

۳. عجز از آوردن یک سوره

«وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُوْرَةٍ مِثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» (بقره: ۲۳)

اینجا به تعبیر امروزی، قرآن تیر خلاص را زده و حقارت بشر مدعی را جلو دید جهانیان به تصویر کشیده است تا بفهماند چسارت آوردن حتی یک آیه مثل آیات حیات‌بخش قرآن را نداشته و هرگز نمی‌تواند آن یک آیه را بیاورد، چون قرآن سخن و وحی الهی است که بر قلب پیامبر گرامی اسلام، نازل شده و بشر با عقل و داشته‌های محدودش موفق به هم‌آوردی آن نخواهد شد.

آیات فوق، بیانگر اعجاز کتاب الهی است، کاری که از عهده بشر خارج بوده و هرگز به پای آن نخواهد رسید.

در این پژوهش برآنیم تا یکی از ابعاد اعجاز قرآن کریم را به جستجو نشسته و حقانیت آن را در عصری که هر روز شاهد موضع‌گیری‌های منفی علیه قرآن هستیم با استفاده از منابع ارزشمندی که پیشینیان برای ما به عنوان ذخیره گرانبها به یادگار گذاشته‌اند به رشته تحریر درآوریم.

بدیهی است ابعاد اعجاز قرآن کریم دامنه فراوان و گسترده‌ای دارد ما به خاطر اینکه دامنه پژوهش خود را محدود کنیم در این نوشتار به بعد اعجاز علمی، آن هم نه در همه زمینه‌ها بلکه تبلور اعجاز علمی قرآن کریم در زمین را مورد کاوش قرار می‌دهیم.

ضرورت پژوهش

در قرآن کریم، مباحث و موضوعات فراوان و متنوعی آمده است که بسیاری از قرآن‌پژوهان، در اعصار مختلف با استفاده از ظاهر برخی آیات از قبیل «وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَأْسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ» (انعام: ۵۹) و آیات دیگر، معتقدند که همه مباحث، موضوعات و علوم در قرآن کریم جمع آمده‌اند و با توجه به این زمینه ذهنی، قائل‌اند که همه چیز را در قرآن می‌توان یافت.

آیا این گونه استنباط از قرآن کریم درست است؟ و آیا همه تر و خشک در قرآن آمده است؟ و آیا قرآن کریم موضوعات علمی را در خود به عنوان یک قانون به طور کامل جای داده است؟ این‌ها سئوالاتی است که پاسخ آن در قرون متمادی داده شده و از این رهگذر، دیدگاه‌های مختلفی را در عرصه قرآن پژوهی به وجود آورده است. مانند:

- دیدگاه افراطی که براین باور است همه علوم در قرآن موجود است؛

- دیدگاه تفریطی که معتقد است هدف قرآن هدایت است و هیچ ربطی به موضوعات علمی ندارد؛

- دیدگاه اعتدالی که براین عقیده است که قرآن کریم در راستای برنامه‌های هدایتی خود اشارات علمی نیز دارد.

در این نوشتار با استفاده از دیدگاه اعتدالی در صدد تبیین اعجاز علمی قرآن (نه به طور گسترده) با مراجعه به آیاتی چند در زمینه اعجاز علمی قرآن در رابطه با زمین و بررسی دیدگاه برخی از قرآن‌پژوهان و مفسرین هستیم.

پیشینه پژوهش

در مورد قدمت اعجاز علمی قرآن کریم، دکتر محمد علی رضایی اصفهانی می‌نویسد:

تفسیر علمی سابقه‌ای هزار ساله دارد(یعنی از نوشته‌های بوعلی سینا شروع شده است) ولی ادعای اعجاز علمی قرآن در دو قرن اخیر مطرح شده که بسیاری از کشفیات علوم تجربی با قرآن منطبق شد و صحت و اتقان این کتاب الهی بیش از پیش به اثبات رسید. بسیاری از کتاب‌ها به انطباق قرآن با علوم تجربی یا تفسیر علمی پرداخته‌اند و یا ادعای اعجاز علمی قرآن را مطرح کرده‌اند. مثل تفسیر الجواهر طنطاوی، تفسیر نمونه استاد مکارم شیرازی، کتاب‌های عبدالرزاق نوفل، اولین دانشگاه و آخرین پیامبر دکتر سیدرضا پاک نژاد و بسیاری از دانشمندان هند و مصر و سوریه و... اما در این میان کتابی که تمام موارد آیات مربوط به ادعای اعجاز علمی قرآن را جمع‌آوری کند و مورد نقد و برر سی قرار دهد نیافتیم.(رضایی اصفهانی، ۱۳۸۱، ج ۱: ۱۳)

مفهوم‌شناسی

قبل از پیگیری موضوع اصلی، لازم است مفاهیم دخیل در این تحقیق کاویده شده و آن را مورد بررسی و شناسایی قرار دهیم.

۱. معجزه

قرآن کریم واژه «آیه»، «بینه»، «برهان» و «سلطان» را در مورد امور خارق عادت و معجزات پیامبران به کار برده است و از واژه «معجزه» در این مورد استفاده نکرده است، اما اصطلاح رایج و مشهور در این مورد واژه «معجزه» است.(رضایی اصفهانی، همان: ۲۵)

این واژه از ریشه «عجز» است و لغویین معانی و استعمالات متعددی برای آن شمرده‌اند. برخی مثل صاحب قاموس، آن را از عَجَز (بر وزن فلس) به معنای ناتوانی دانسته است. عَجَزَ عَنْهُ عَجْزًا: ضعف عنه ای لم یقتدر علی. (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۴: ۲۹۳)

«یا ویلتی أَعْجَزْتُ أَنْ أَكُونَ مِثْلَ هَذَا الْغُرَابِ» (مائده: ۳۱) برخی دیگر ریشه این لغت را به معنای «تأخر از چیزی» می‌دانند و از این رو در مورد آخر و پشت هر چیزی به کار می‌رود. مانند «عَجَزَ الْإِنْسَانُ: مُؤَخَّرُهُ، وَ بِهِ شُبُهَةٌ مُؤَخَّرٌ غَيْرُهُ.» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۵۴۷)

برخی لغویین آن را به معنای «به ضعف کشاندن دیگری یعنی خصم و عاجز نمودن او» دانسته‌اند. «الْإِعْجَازُ: أَنْ يَأْتِيَ الْإِنْسَانَ بَشْيءٍ يَعْجِزُ خِصْمَهُ وَ يَقْصُرُ دُونَهُ.» (طریحی، ۱۳۷۵ش، ج ۴، ۲۵) مثل این سخن خداوند متعال: «وَأَعْلَمُوا أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللَّهِ.» (توبه: ۲) و دیدگاه‌های دیگری که تقریباً همه به یک معنا برمی‌گردند.

در اصطلاح مفسران قرآن کریم و دانش‌پژوهان عرصه قرآن‌پژوهی، تعاریف گوناگونی برای معجزه صورت گرفته است که ما برای معنای اصطلاحی معجزه به سه تعریفی که به نظر بهتر می‌رسد بسنده می‌کنیم:

۱. در اصطلاح دانشمندان علم «کلام»، معنی اعجاز عبارت از این است کسی که مقامی را از ناحیه خداوند برای خود ادعا می‌کند، باید به عنوان گواه بر صدق گفتارش عملی را انجام دهد که به ظاهر به خلاف قوانین خلقت و خارج از مسیر عادی و طبیعی است و دیگران از انجام دادن آن عمل عاجز و ناتوان هستند. چنین عمل خارق‌العاده‌ای را «معجزه» و انجام دادن آن عمل را «اعجاز» می‌نامند که با شرایطی محقق می‌شود:
۱. امکان صادق بودن ادعا باشد؛ (محال عقلی نباشد، مثلاً ادعای خدائی نکند)
۲. آنچه می‌گوید طبق آن انجام دهد.
۳. عمل او از مقوله سحر و علوم دقیقه (غریبه) نباشد.
۴. تحدی (مبارزه طلبی) کند. (آیت‌الله خویی، ۱۳۷۵: ۵۳)

«معجزه» در اصطلاح عبارت است از امر خارق‌عادی که برای اثبات ادعای نبوت آورده می‌شود به طوری که موافق ادعا باشد و شخص دیگری نتواند مثل آن را انجام دهد، بلکه همه در آوردن مثل آن عاجز باشند، ولی با این حال، «معجزه» امری منافی با حکم عقل یا باطل‌کننده اصل علیت نیست. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج: ۱، ۷۲)

در جای دیگر چنین نگاشته‌اند: معجزه یا آیه معجزه (بر حسب اصل تسمیه) چنانکه از لفظش پیداست، امر خارق‌العاده‌ای است که برای اثبات حق و مقارن با تحدی (دعوت به مقابله) تحقق پیدا می‌کند... معجزه هرچه بوده باشد و به هر شکل و صورتی اتفاق بیفتد بالاخره امری است خارق‌العاده و بیرون از نظام علل و معلولات و اسباب و مسبباتی که عادتاً ما با آنها انس گرفته‌ایم و آنها را می‌شناسیم. (طباطبایی، ۱۳۶۲: ۱۱۵ و ۱۱۶)

مرحوم آیت‌الله معرفت، تعریف متفاوت‌تری را ارائه نموده است:

اعجاز علمی قرآن مربوط به اشاراتی است که از گو‌ش‌های سخن حق تعالی نمودار گشته و هدف اصلی نبوده است، زیرا قرآن کتاب هدایت است و هدف اصلی آن جهت بخشیدن به زندگی انسان و آموختن راه سعادت به اوست، از این رو اگر گاه در قرآن به برخی اشارات علمی برمی‌خوریم از این جهت است که این سخن از منبع سرشار علم و حکمت الهی نشأت گرفته و از سرچشمه علم بی‌پایان حکایت دارد. (معرفت، ۱۳۸۳: ۳۴۲)

یکی از ابعاد اعجاز قرآن که در چند قرن اخیر ظاهر شد و بسیاری از متخصصان علوم را به شگفتی واداشت و برخی صاحب‌نظران علوم قرآن بدان تصریح کرده‌اند، همان گزاره‌های قرآن در مورد مسایل علمی مثل زوجیت گیاهان و

حرکت خورشید و زمین است. در حالی که انسانها تا قرن‌ها بعد از نزول قرآن بدان مطالب علمی دسترسی نداشتند یا به نظریه بطلمیوسی که به خلاف آنهاست، معتقد بودند. (رضایی اصفهانی، بی‌تا: ۷۵)

۲. علم

علم در لغت به معنای دانستن، دانش و ضد جهل آمده است. (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۵: ۳۲)

در اصطلاح، تعاریف متعددی برای علم ذکر شده است، اما مقصود در این نوشته از علم، علوم تجربی است که با شیوه آزمایش و خطا، درستی و یا نادرستی نظریه‌ها و قوانین حاکم بر طبیعت را بررسی می‌کند. با توجه به مفهوم دو واژه «اعجاز» و «علم» به تبارز اعجاز علمی قرآن در مورد زمین پرداخته و آیاتی را که بازگو کننده اعجاز علمی قرآن و بروز آن در زمین است یادآوری می‌کنیم.

مراد از اعجاز علمی قرآن

در پاسخ اینکه مراد از اعجاز علمی قرآن چیست، می‌توان گفت مراد آیاتی از قرآن کریم است که شرایط ذیل را داشته باشد:

۱. رازگویی علمی باشد؛ یعنی مطلبی علمی را که قبل از نزول آیه کسی از آن اطلاع نداشته بیان کند، به طوری که مدتها بعد از نزول آیه مطلب علمی کشف شود و این مسئله علمی طوری باشد که با وسایل عادی که در اختیار بشر عصر نزول بوده قابل اکتساب نباشد؛

۲. اخبار غیبی در مورد وقوع حوادث طبیعی و جریانات تاریخی باشد که هنگام نزول آیه کسی از آن اطلاع نداشته و پس از خبر دادن قرآن، طبق همان خبر واقع شود و این خبر طوری باشد که به وسیله وسایل عادی قابل پیش‌بینی نباشد. پس اگر مطلبی را قرآن خبر داده که قبلاً در کتاب‌های آسمانی گذشته به آن اشاره شده بوده است و یا در مراکز علمی یونان و ایران و... در لابلای کتابهای علمی و آرای دانشمندان آمده باشد و یا مطلبی باشد که طبیعتاً و یا به صورت غریزی قابل فهم بوده است، این امور معجزه علمی محسوب نمی‌شود. (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۱، ج ۱: ۹۴)

بعد از اینکه اعجاز علمی برای ما روشن شد اکنون به اصل موضوع یعنی آیاتی که در ارتباط با زمین است (برخی از آیات) اشاره نموده و متذکر می‌شویم که در این قسمت

نیز آیات متنوع و متفاوت می‌باشند که ذیلاً به برخی موضوعات به گونه‌ی اجمال و گذرا اشاره می‌نماییم.

۱. قرآن و گسترش زمین

در این آیه خداوند از گسترش زمین خبر داده و سخن می‌گوید: «وَالْأَرْضَ بَعْدَ ذَلِكَ دَحَاهَا؛ و زمین را بعد از آن گسترش داد.» (نازعات: ۲۰)

«دحا» از ماده دحو(بر وزن محو) به معنی گستردن است بعضی نیز آن را به معنی تکان دادن چیزی از محل اصلی‌اش تفسیر کرده‌اند و چون این دو معنی لازم و ملزوم یکدیگرند، به یک ریشه باز می‌گردد.

به هر حال منظور از «دحو الارض» این است که در آغاز، تمام سطح زمین را آب‌های حاصل از باران‌های سیلابی نخستین فرا گرفته بود. این آب‌ها تدریجاً در گودال‌های زمین جای گرفتند و خشکی‌ها از زیر آب سر بر آوردند و روز به روز گسترده‌تر شدند تا به وضع فعلی درآمد (و این جریان بعد از آفرینش زمین و آسمان روی داد). (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۶: ۱۰۱؛ مؤدب: ۲۱۴)

ذیل این آیه، صاحب تفسیر هدایت از قول دیگر مفسرین نقل نموده است: این آیه اشاره است به عواملی طبیعی است که پس از آن پیاپی بر زمین تأثیر کرد و آن را برای زندگی انسان و دیگر موجودات زنده آماده ساخت و سپس باران‌های فراوان بر آن باریدن گرفت و سیل‌ها به راه افتاد و در نتیجه این حوادث بعضی از نواحی آن خشک و بعضی دیگر پر آب شد. (مدرسی، ۱۳۷۷، ج ۱۷: ۳۰۶)

مرحوم علامه طباطبایی می‌گوید: بعد از آنکه خداوند آسمان را بنا کرد و سقفش را بلند نمود و هر جزئی را در جای خود قرار داد و شیش را تاریک و روزش را روشن ساخت، زمین را بگسترانید. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲۰: ۳۰۹)

۲. قرآن و گهواره بودن زمین

قرآن پژوهان و برخی از مفسران، آرامش زمین را یکی دیگر از معجزات علمی قرآن می‌دانند و برخی از آیات را حمل بر آن نموده‌اند، مانند:

- أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مِهَادًا؛ آیا ما زمین را محل آرامش (شما) قرار ندادیم. (نبأ: ۶)
- أَلَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ مَهْدًا وَ سَلَكَ لَكُمْ فِيهَا سُبُلًا وَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِّنْ نَّبَاتٍ شَتَّى؛ همان خداوندی که زمین را برای شما محل آسایش قرار داد و راه‌هایی در آن ایجاد کرد و از آسمان، آبی فرستاد که به وسیله آن انواع گوناگون گیاهان مختلف را (از خاک تیره) برآوردیم. (طه: ۵۳)

در این دو آیه شریفه، خداوند زمین را مهد آسایش و آرامش قرارداده است و حرکت‌های وضعی و انتقالی آن بسیار آرام است و به واسطهٔ کروی بودن زمین و قانون جاذبهٔ آن و همچنین قشر عظیمی که اطراف آن را فراگرفته است و می‌تواند محل آسایش و راحتی و مکان امنی برای زندگی باشد. خداوند در این آیه هم بر حرکت زمین اشاره دارد و هم بر محل آسایش بودن آن. (مؤدب، ۲۱۴)

مرحوم علامه طباطبایی فرموده است: و به هر حال اینکه فرمود: «أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مِهَادًا»، استفهامی است انکاری و کلمه «مهاد» به معنای بستر و قراری است که در آن تصرف می‌شود و بر فرضی که روی آن می‌نشینند نیز اطلاق می‌گردد و معنای جمله این است که مگر ما نبودیم که زمین را برای شما قرارگاه کردیم تا بتوانید در آن قرار گیرید و در آن تصرف کنید. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲۰: ۲۶۱)

انتخاب این تعبیر (مهاد) برای زمین، بسیار پرمعنی است، چرا که از یک سو قسمت‌های زیادی از زمین آن چنان نرم و صاف و مرتب است که انسان به خوبی می‌تواند در آن خانه‌سازی کند و زراعت و باغ احداث نماید. از سوی دیگر، همه نیازمندی‌های او بر سطح زمین یا در اعماق آن به صورت مواد اولیه و معادن گرانبها نهفته است. از سوی سوم، مواد زائد او را به خود جذب می‌کند، و اجساد مردگان با دفن در آن به زودی تجزیه و متلاشی می‌شوند و انواع میکروب‌ها به واسطه اثر مرموزی که دست آفرینش در خاک نهاده است، نابود می‌گردد.

از سوی چهارم، با حرکت نرم و سریع خود به دور آفتاب و به دور خود گردش می‌کند و شب و روز و فصول چهارگانه را که نقش عمده‌ای در حیات انسان دارند می‌آفریند. از سوی پنجم قسمت زیادی از آب‌هایی که بر سطح آن می‌بارد در درون خود ذخیره می‌کند و به صورت چشمه‌ها و قنات‌ها بیرون می‌فرستد.

خلاصه در این بستر آرام همه وسائل آسایش و آرامش فرزندان این زمین آماده و مهیا است و هنگامی اهمیت این نعمت آشکارتر می‌گردد که مختصر تزلزل و دگرگونی در آن رخ دهد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۶: ۱۷)

۳. قرآن و میخ‌های زمین

آیهٔ ذیل با نگاهی به علوم روز و کشفیات جدید علمی، آنچه را که مایهٔ ثبات زمین است مورد توجه قرار داده و ما را به سمت یک خالق و صانع قدرتمند و مهربان دعوت می‌کند:

«خَلَقَ السَّمَاوَاتِ بَعِيرٍ عَمَدٍ تَرْوُنَهَا وَ أَلْقَى فِي الْأَرْضِ رَوَا سِيَّ أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ وَ بَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَ أَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ؛ آسمان‌ها را بدون ستونی که قابل رؤیت باشد آفرید و در زمین کوه‌هایی افکند تا شما را به لرزه در

نیابود و از هر گونه جنبنده روی آن منتشر ساخت و از آسمان آبی نازل کردیم و به وسیله آن در روی زمین انواع گوناگونی از جفت‌های گیاهان پر ارزش رویاندیم. (لقمان: ۱۰)

«وَالْجِبَالِ أَوْتَادًا؛ و کوهها را میخ‌های زمین قرار دادیم». (نبأ: ۷۰)

در این دو آیه و آیات دیگری که در این مورد وجود دارد به نکات اشاره دارد که بعضی از آنها را ذکر می‌نماییم:

۱. کوهها بعد از پیدایش زمین ایجاد شده‌اند؛
۲. زمین دارای حرکت است که این حرکت موجب اضطراب زمین است؛
۳. کوهها زمین را آرام می‌کنند؛
۴. یک عده از کوهها همانند میخ‌ها در عمق زمین فرورفته‌اند و باعث آرامش زمین شده‌اند. (علوی و شیخ‌زاده، ۱۳۸۵: ۵۷-۵۵)

البته نکته دیگری در این آیه وجود دارد که علم جدید به آن نتیجه رسیده است، در حالی که قرآن کریم ۱۴۰۰ سال قبل به این مطلب علمی اشاره کرده است و آن نکته اشاره قرآن به قانون جاذبه است.

مرحوم علامه در المیزان ذیل آیه «وَالْجِبَالِ أَوْتَادًا» گفته است: کلمه «أوتاد» جمع «وتد» است، و «وتد» به معنای میخ است، البته بنا به گفته صاحب مجمع البیان، میخ بزرگ را «وتد» گویند (نه میخ‌های معمولی را). و اگر کوهها را میخ خوانده شاید از این جهت بوده که پیدایش عمده کوههایی که در روی زمین است از عمل آتشفشان‌های تحت الارضی است که یک نقطه از زمین را می‌شکافد و مواد مذاب زمینی از آن فوران می‌کند و به اطراف آن نقطه می‌ریزد و به تدریج اطراف آن نقطه بالا می‌آید و می‌آید تا به صورت میخی که روی زمین کوبیده باشند، درآید و باعث سکون و آرامش فوران آتشفشان زیرزمین گردد و اضطراب و نوسان زمین از بین برود. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲۰: ۲۶۱)

نخستین چیزی که در این آیات به آن برخورد می‌کنیم، تأثیر وجود کوهها در آرامش زمین است که گاه از آن به «اوتاد» (میخ‌ها)، تعبیر شده است که معمولاً برای محکم کردن قسمت‌های مختلف در صندوق‌ها، کشتی‌ها و مانند آن یا برای نگهداشتن چادرها برای وزش بادها، مورد استفاده قرار می‌گیرد.

و گاه تعبیر به «ان تمیدبکم» که از ماده «میدان» به معنای لرزش و اضطراب، گرفته شده، یعنی کوهها مانع اضطراب و لرزش زمین است. این مطلبی است که در آن عصر و زمان، هیچ کس از آن آگاهی نداشت و امروز ما به خوبی می‌دانیم که نقش کوهها چیست. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۸: ۱۶۱)

ایشان در همین باره می‌نویسد: کوه‌ها علاوه بر اینکه ریشه‌های عظیمی در اعماق زمین دارند و در آنجا به هم پیوسته‌اند و همچون زرهی پوسته زمین را در برابر فشار ناشی از مواد مذاب درونی و تاثیر جاذبه جذر و مد آفرین ماه از بیرون حفظ می‌کنند، دیوارهای بلندی در برابر طوفان‌های سخت و سنگین محسوب می‌شوند و پناهگاه مطمئنی برای مهد و آسایش انسان می‌سازند که اگر نبودند دائماً زندگی انسان زیر ضربات کوبنده طوفان‌ها دستخوش ناآرامی بود.

علاوه بر همه این‌ها در اطراف کره زمین قشر عظیمی از هوا وجود دارد که بر اثر وجود کوه‌ها که به صورت دنده‌های یک چرخ، پنجه در این قشر عظیم افکنده‌اند همراه زمین حرکت می‌کنند. دانشمندان می‌گویند اگر سطح زمین صاف بود، قشر هوا هنگام حرکت زمین روی آن می‌لغزید و طوفان‌های عظیم ایجاد می‌شد و هم ممکن بود این اصطکاک دائمی سطح زمین را داغ و سوزان و غیر قابل سکونت کند. (همو، ۱۳۷۴، ج ۲۶: ۱۷)

۴. قرآن و کاهش زمین

ایجاد نقص در زمین، چه سرمایه و برکت باشد و چه موجوداتی زنده‌ای که ساکن زمین بوده و زمین به عنوان مادر مهربان آنان را در آغوش خویش پرورش داده است، بعد از مدتی دچار نقص می‌شود. آیه ذیل این حقیقت را بازگو می‌کند:

«أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنْقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا وَاللَّهُ يَحْكُمُ لَا مُعَقَّبَ لِحُكْمِهِ وَهُوَ سَرِيعُ الْحِسَابِ؛ آیا ندیدند که ما پیوسته از اطراف (و جوانب) زمین کم می‌کنیم (جامعه‌ها، تمدن‌ها و دانشمندان تدریجاً از میان می‌روند و خداوند حکومت می‌کند و هیچ‌کس را یارای جلوگیری یا رد احکام او نیست و او سریع‌الحساب است)». (رعد: ۴۱)

چنان که خداوند فرموده است، زمین پیوسته در حال کاسته شدن است. همیشه گاز و گرما و انرژی از جو زمین خارج می‌شود و به فضا می‌رود و رفته‌رفته از حجم و اندازه آن کاسته می‌شود.

به طوری که تخمین زده می‌شود، زمین در آغاز پیدایش، حجمی تقریباً ۲۰۰۰ بار بزرگتر از حجم کنونی خود داشته است.

از آنجا که خورشید پیوسته کم می‌شود، لازمه‌اش این است که از زمین نیز پیوسته کم شود تا تعادل بین جاذبه و دافعه میان خورشید و زمین ثابت بماند. (علوی و شیخ زاده، همان: ۶۶)

آیت‌الله مکارم شیرازی ذیل آیه مذکور، کاهش و نقص زمین را مربوط به اهل زمین دانسته و گفته است:

روشن است که منظور از زمین در اینجا «اهل زمین» است. یعنی آیا آنها به این واقعیت نمی‌نگرند که پیوسته اقوام و تمدن‌ها و حکومت‌ها در حال زوال و نابودی هستند؟! اقوامی که از آنها قوی‌تر و نیرومندتر و سرکش‌تر بودند، همگی چهره به زیر خاک کشیدند و حتی دانشمندان و بزرگان و علمایی که قوام زمین به آنها بود آنها نیز چشم از جهان فرو بستند و به ابدیت پیوستند. آیا این قانون عمومی حیات که درباره افراد و کل جامعه‌های بشری و کوچک و بزرگ جاری و ساری است، برای بیدار شدن آنها کافی نیست، که این چند روز زندگی را ابدی نشمرند و به غفلت برگزار نکنند؟! سپس اضافه می‌کند: حکومت و فرمان از آن خداست و هیچکس را یارای رد احکام او یا جلوگیری از فرمان او نیست. (وَاللَّهُ يَحْكُمُ لَا مُعَقَّبَ لِحُكْمِهِ)

«و او سریع الحساب است»؛ (وَهُوَ سَرِيعُ الْحِسَابِ). بنابراین از یک طرف قانون «فنا» را در پیشانی همه افراد و ملت‌ها نوشته و از سوی دیگر کسی را توانایی این نیست که این فرمان یا سایر فرمان‌های او را تغییری دهد و از سوی سوم با سرعت به حساب بندگان رسیدگی می‌کند و به این ترتیب پاداش کیفر او قطعی است.

در روایات متعددی که در تفسیر «برهان» و «نور الثقلین» و سایر تفاسیر و منابع حدیثی آمده است، آیه فوق به فقدان علما و دانشمندان تفسیر شده است چرا که فقدان آنها مایه نقصان زمین و کمبود جوامع انسانی است.

مرحوم طبرسی در تفسیر این آیه از امام صادق علیه السلام چنین نقل می‌کند: «نقصها بذهاب علمائها و فقهاءها و خبائها؛ ما از زمین می‌کاهیم با از میان رفتن علما و فقها و اخیار و نیکان». (بحرانی، ۱۳۷۴، ج ۳: ۲۷۳؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۰: ۲۵۲)

از بیان ایشان استفاده می‌شود که آیه هیچ اشاره‌ای به نقص و کاستی خود زمین آن گونه که قائلین به اعجاز علمی قرآن اصرار دارند، ندارد.

مرحوم علامه طباطبایی نیز آیه را ناظر به نقص اهل زمین می‌داند و می‌گوید: این کلام به منظور عبرت آمده. بعد از آنکه آنان را به هلاکت تهدید کرده به عبرت از سرنوشت گذشتگان وادار می‌نماید و از آن استفاده می‌شود که پرداختن به زمین و کم نمودن از اطراف آن، کنایه است از کشتن و هلاک کردن اهل آن. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۱: ۵۱۹)

بنابراین به نظر کسانی که آیه را ربط به اعجاز علمی قرآن داده‌اند، نمی‌شود اعتنا کرد، چون از قسم تفسیر به رأی و یا تحمیل نظریه علمی بر قرآن است که از موارد تفسیر غیر معتبر بوده و نمی‌توان از آن، نقص زمین را آن گونه که خواست مدعیان اعجاز علمی است، دانست.

۵. قرآن و ساکن بودن زمین

میدانیم که زمین به عنوان گهواره و بستر تلقی شده که باعث آرامش و سکون آدمی است، این از واقعیت‌هایی است که قرآن کریم قبل از علم جدید بدان اشاره داشته است و آیات متعددی بازگوکننده این واقعیت ثابت و غیر قابل انکار است، مانند آیه: «الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا...؛ أَنْ كَسَّ كَمَا قَرَّارٍ دَادًا...» (بقره: ۲۲)

علامه طباطبایی در رابطه با اعجاز قرآن کریم، ذیل آیات نخستین سوره بقره به طور تفصیل و مبسوط، به شایستگی سخن گفته و قرآن را دارای اعجاز در تمام ابعاد دانسته و این گونه تصریح نموده است:

قرآن کریم هم معجز است در بلاغت، برای بلیغ‌ترین بلاء و هم آیتی است فصیح، برای فصیح‌ترین فصحاء و هم خارق‌العاده‌ای است برای حکماء در حکمتش، و هم سرشارترین گنجینه علمی است معجزه‌آسا، برای علماء و هم اجتماعی‌ترین قانونی است معجزه‌آسا، برای قانون و سیاستی است بدیع و بی‌سابقه برای سیاستمداران و حکومتی است معجزه، برای حکام و خلاصه معجزه‌ای است برای همه عالمیان، در حقایقی که راهی برای کشف آن ندارند، مانند امور غیبی و اختلاف در حکم و علم و بیان.

از اینجا روشن می‌شود که قرآن کریم دعوی اعجاز، از هر جهت برای خود می‌کند، آن هم اعجاز برای تمامی افراد جن و انس، چه عوام و چه خواص، چه عالم و چه جاهل، چه مرد و چه زن، چه فاضل متبحر و چه مفضول، چه و چه و چه، البته به شرطی که این قدر شعور داشته باشند که حرف سرشان بشود. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۹۵)

آیت‌الله مکارم شیرازی، آرامش زمین را یکی از نعمت‌های بزرگ الهی دانسته، در تفسیر نمونه می‌نویسد:

خداوند، در آیه قسمت دیگری از نعمت‌های بزرگ خدا که می‌تواند انگیزه شکرگزاری باشد اشاره کرده، نخست از آفرینش زمین سخن می‌گوید: «همان خدایی که زمین را بستر استراحت شما قرار داد»؛ (الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا).

این مرکب راهواری که شما را بر پشت خود سوار کرده و با سرعت سرسام آوری در این فضا به حرکات مختلف خود ادامه می‌دهد، بی‌آنکه کمترین لرزشی بر وجود شما وارد کند، یکی از نعمت‌های بزرگ او است.

نیروی جاذبه‌اش که به شما اجازه حرکت و استراحت و ساختن خانه و لانه و تهیه باغ‌ها و زراعت‌ها و انواع وسائل زندگی می‌دهد، نعمت دیگری است. سپس می‌پرسد:

هیچ فکر کرده‌اید که اگر جاذبه زمین نبود در یک چشم بر هم زدن همه ما و همه خانه‌ها و وسائل زندگی‌مان بر اثر حرکت دورانی زمین به فضا پرتاب و در فضا سرگردان می‌شد؟! تعبیر به «فراش» (بستر استراحت) چه تعبیر زیبایی است؛ فراش، نه تنها مفهوم

آرامش و آسودگی خاطر و استراحت را در بر دارد بلکه گرم و نرم بودن و در حد اعتدال قرار داشتن نیز در مفهوم آن افتاده است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۱۱۹)

آیاتی دیگری همین مفهوم را تداعی کرده و اعجاز علمی را به ثبوت می‌رسانند، مانند:

«الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ مَهْدًا وَ سَلَكَ لَكُمْ فِيهَا سُبُلًا وَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِّنْ نَّبَاتٍ شَتَّى؛ همان خداوندی که زمین را برای شما محل آسایش قرار داد و راه‌هایی در آن ایجاد کرد و از آسمان آبی فرستاد که به وسیله آن انواع گوناگون گیاهان مختلف را (از خاک تیره) برآوردیم.» (طه: ۵۳)

۶. قرآن و استخراج نفت و گاز از زمین

برخی از قرآن‌پژوهان با تلاش خود سعی می‌کنند، استخراج نفت و گاز از زمین را از آیه ذیل اثبات کنند. حال ببینیم چنین چیزی ممکن است یا نه؟! «وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا؛ و زمین بارهای سنگینش را خارج سازد» (زلزال: ۲)

برخی براین عقیده‌اند که موارد استخراج، نفت و گاز است که از مواد سنگین در زمین است. یعنی با آلات و ابزار، چاه‌های نفت و گاز کشف می‌شود، آن گاه انسان با تعجب می‌گوید: این‌ها چیست؟ که در این زمان قیامت نزدیک است. (رفیعی، ۱۳۸۴: ۸۸)

آیت الله مکارم شیرازی ذیل این آیه می‌گوید:

در اینکه منظور از «اثقال» (بارهای سنگین) چیست؟ مفسران تفسیرهای متعددی ذکر کرده‌اند؛ بعضی گفته‌اند منظور انسان‌ها هستند که با زلزله رستخیز از درون قبرها به خارج پرتاب می‌شوند، نظیر آنچه در سوره اَشْقَاقِ آیه ۴ آمده است: «وَأَلْقَتْ مَا فِيهَا وَ تَخَلَّتْ». و بعضی گفته‌اند گنج‌های درون خود را بیرون می‌ریزد و مایه حسرت دنیا پرستان بی‌خبر می‌گردد. این احتمال نیز وجود دارد که منظور بیرون فرستادن مواد سنگین و مذاب درون زمین است که معمولاً کمی از آن هنگام آتشفشان‌ها و زلزله‌ها بیرون می‌ریزد. در پایان جهان آنچه در درون زمین است به دنبال آن زلزله عظیم به بیرون پرتاب می‌شود.

ایشان تفسیر نخست را مناسب‌تر تشخیص داده، می‌گوید: تفسیر اول مناسب‌تر به نظر می‌رسد، هر چند جمع میان این تفاسیر نیز بعید نیست. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۷: ۲۲۳)

بعضی گفته‌اند اِثْقَال، گنج‌ها و کانه‌های زمین است و بعضی دیگر آنها را مردگانی تفسیر کرده‌اند که زمین در دومین دمیدن صور آنها را از خود بیرون می‌ریزد و ناگهان

آنها بر می‌خیزند و به نگرین ستن می‌پردازند و چنان می‌نماید که کلمه و سعت قابلیت تطبیق با همه این نتیجه‌ها را دارد، ولی آنچه بیشتر از زلزله درباره آن آگاهی داریم، بیرون ریختن مواد گداخته مرکزی زمین از آن است. چه می‌دانیم که بعضی از زمین لرزه‌ها از فوران آتشفشان‌هایی نتیجه می‌شود که مواد گداخته از آنها فوران می‌کند. (مدرسی، ۱۳۷۷، ج ۱۸: ۲۶۳)

البته استفاده از استخراج نفت و گاز از این آیه دشوار است. به نظر می‌رسد این دیدگاهی افراطی نسبت به تفسیر قرآن کریم است که باعث تحمیل نظریات علمی بر قرآن گشته و از جمله گونه‌های تفسیری غیر معتبر خواهد بود.

۷. قرآن و قانون جاذبه زمین

«خَلَقَ السَّمَاوَاتِ يَغْيِرُ عَمَدَ تَرَوْنَهَا وَ أَلْقَى فِي الْأَرْضِ رَوَا سِي أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ وَ بَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَ أَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ؛ آسمانها را بدون ستونی که قابل رؤیت باشد آفرید، و در زمین کوه‌هایی افکند تا شما را به لرزه در نیاید و از هر گونه جنبنده روی آن منتشر ساخت، و از آسمان آبی نازل کردیم و به وسیله آن در روی زمین انواع گوناگونی از جفت‌های گیاهان پرارزش رویاندیم.» (لقمان: ۱۰)

مرحوم علامه طباطبایی ذیل آیه دوم سوره مبارکه رعد، بحث مفصلی راجع به ستون‌های زمین ارائه نموده‌اند که در یک عبارت کوتاه منظور ایشان می‌شود که:

خداوند آسمان را از زمین جدا کرد و میان آن دو فاصله‌ای گذاشت، فاصله‌ای که باعث شد آسمان مسلط بر زمین شود و اشعه خود را بر زمین بتاباند و باران و صاعقه خود را به زمین بفرستد و همچنین آثار دیگر. پس آسمان بر بالای زمین بدون ستونی محسوس که انسان اعتماد آن را بر آن احساس کند ایستاده، در نتیجه هر انسانی باید متوجه شود که لابد کسی هست که آن را بدون ستون نگهداشته و نمی‌گذارد جابجا بشود و آن را از فروریختن از مدارش نگه داشته است. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۱: ۳۹۱)

آیت‌الله مکارم شیرازی در تبیین آیه برای دلالت بر قانون جاذبه زمین و اثبات معجزه علمی قرآن کریم، سئوالی را مطرح کرده، می‌گوید:

آیا توجیه و تفسیری برای این سخن غیر از ستونی که ما امروز نام آن را «توازن قوه جاذبه و دافعه» می‌نامیم، وجود دارد؟ بعد برای پاسخ به توضیح پرداخته چنین اظهار نظر می‌کند:

در زمان نزول آیات قرآن کریم، تنها فرضیه‌ای که برافکار دانشمندان آن عصر و قرن‌های بعد از آن و قبل از آن، حاکم بود، فرضیه هیئت «بطلمیوس» بود که با تمام قدرت بر محافل علمی جهان حکومت می‌کرد و طبق آن، آسمان‌ها به صورت کراتی تو در تو همانند پیاز، روی هم قرار داشت و زمین در مرکز آنها بود و

طبعاً هر آسمانی متکی به آسمان دیگر بود، ولی امروز بعد از ۱۴۰۰ سال از نزول قرآن، بطلان این عقیده با دلایل قطعی ثابت شد و نظریه افلاک پوست پیازی به کلی کنار رفت و این معنی مسلم شد که هر یک از کرات آسمانی در مدار و جایگاه خود معلق و ثابت است و هر چند مجموعه‌ها و منظومه‌ها دارای حرکت‌اند و تنها چیزی که آنها را در جای خود نگه می‌دارد، همان تعادل قوه جاذبه و دافعه است. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۸: ۱۴۷)

با توجه به نظرات مفسران قرآن کریم استفاده قانون جاذبه از آیه فوق که امروز علم جدید به عنوان یک قانون مسلم علمی مطرح است و آن را ثابت کرده از جنبه های اعجاز علمی قرآن کریم است.

۸. قرآن و کروی بودن زمین

«... مَ شَارِقَ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبَهَا...» (اعراف: ۱۳۷) «و مشرق‌ها و مغرب‌های پربرکت زمین را به آن قوم تضعیف شده (زیر زنجیر ظلم و ستم) واگذار کردیم». تعدد مشرق و مغرب در صورت مسطح بودن زمین غیر ممکن است. در صورت کروی بودن زمین است که با طلوع خورشید بر جزئی از زمین، در قسمت دیگر غروب رخ می‌دهد، اما اینکه در جایی دو مشرق و دو مغرب داریم، برخی مفسران گفته‌اند: نهایت پایین آمدن خورشید است در زمستان و نهایت اوج گرفتن آن در تابستان که این دو در سردترین ایام سال‌اند. (رفیعی، ۱۳۸۴: ۶۶)

این سلسله آیات در عین اینکه بر متعدد بودن محل طلوع و تابش آفتاب و محل غروب آن دلالت می‌کند، بر کروی بودن زمین نیز اشاره دارد، زیرا اگر زمین کروی باشد، طلوع کردن و تابیدن آفتاب بر هر جزئی از اجزای کره زمین مستلزم این است که از جزء دیگر آن غروب کند و در این صورت تعدد مشرق‌ها و مغرب‌ها بدون هیچ‌گونه تکلف و زحمتی، روشن و واضح می‌گردد، ولی در غیر کروی بودن زمین، تعدد مشرق‌ها و مغرب‌ها که از آیه استفاده می‌شود، قابل درک و مفهوم نیست. (خویی، ۱۳۷۵: ۱۳۳)

باتوجه به اینکه قرآن کریم، کروی بودن زمین را مطرح کرده و بعد از چندین قرن علم جدید به این واقعیت پی برده است، این مطلب به صورت کنایی است و صراحت کامل ندارد، ولی به صورت التزامی کروی بودن زمین را ثابت می‌کند و بین قرآن پژوهان اختلاف معتناهی به چشم نمی‌خورد.

نتیجه

می‌توان از مطالب گفته شده، نتیجه گرفت که قرآن کریم، دارای اعجاز علمی است که برخی از آن اعجاز در زمین تبارز پیدا کرده است و اکتشافات علمی سال‌ها بعد از قرآن کریم به این مسئله علمی پی برده و آن را به رسمیت شناخته که خود از

معجزات علمی این کتاب آسمانی است. ولی از مجموع نظرات مفسران قرآن کریم، می‌توان نتیجه گرفت که:

۱. اعجاز علمی قرآن کریم را همه مفسران متفقاً پذیرفته‌اند.
۲. در برابر تفسیر و اعجاز علمی قرآن، مفسران و قرآن‌پژوهان به سه دسته تقسیم شده‌اند:

الف) عده‌ای شیوه افراط را پیموده‌اند. به این معنا که هر آیه قرآن که کوچک‌ترین اشاره‌ای به مسایل علمی داشته است، قایل شده‌اند که قرآن تمام مسایل علمی را بازگنموده است.

ب) عده‌ای راه تفریط را پیموده و گفته‌اند قرآن هیچ اشاره‌ای به مسایل و اعجاز علمی ندارد، زیرا قرآن برای بیان مسایل علمی نازل نشده، بلکه قرآن هدفش هدایت بشر است که مربوط به مسایل دنیا نمی‌شود.

ج) اما گروهی می‌گویند قرآن برخی از مسایل علمی را بیان کرده و قائل به اعجاز علمی قرآن کریم می‌باشند، ولی هدف آن را مسایل هدایتی دانسته و می‌گویند خداوند از این طریق به اثبات حقانیت دین توحیدی پرداخته و از این رهگذر پیام خویش را صادر نموده است.

منابع و مأخذ:

قرآن کریم

- بحرانی، سید هاشم بن سلیمان (۱۳۷۴)، البرهان فی تفسیر القرآن، قم: مؤسسه بعثت.
- خوبی، سید ابوالقاسم (۱۳۷۵)، بیان در علوم و مسائل کلی قرآن، ج ۱، مترجمان: محمد صادق نجمی و هاشم هاشم‌زاده هریسی، تهران: وزارت ارشاد.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، مفردات الفاظ القرآن، ج ۱، بیروت: دارالقلم.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۸۱)، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ج ۳، قم: کتاب مبین.
- رفیعی، ناصر (۱۳۸۶)، سیرت‌دین و تطور تفسیر علمی قرآن، ج ۱، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۴)، تفسیر المیزان، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، ج ۵، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- _____ (۱۳۶۲)، اعجاز قرآن، قم: بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی.
- علوی، سید سجاد و علی شیخ‌زاده (۱۳۸۵)، معجزات جدید (یا اعجاز علمی قرآن کریم) ج ۱، قم: انتشارات دلیل ما.
- قرشی، سید علی‌اکبر (۱۳۷۱)، قاموس قرآن، ج ۶، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- مدرسی، سید محمد تقی (۱۳۷۷)، تفسیر هدایت، مترجم: احمد آرام، ج ۱، مشهد: موسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
- معرفت، محمد هادی (۱۳۸۳)، علوم قرآنی، مؤسسه فرهنگی تمهید، ج ۵.

- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۸۶)، پیام قرآن، ج ۶، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- _____ (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، ج ۲۶، ج ۱، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مؤدب، سیدرضا (بی تا)، اعجاز قرآن، ج ۱، قم: انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی